

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا
الله لولم يكن لنا فيه حظ
شيء إلا بفضله العظيم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين أجمعين
فلا اله الا الله
محمد رسول الله
صلى الله عليه وسلم
وآله الطيبين الطاهرين
الذين اتبعوا ما آتاهم
الكتاب من ربهم
والذين لم يتبعوا
الجموع السافرة
الذين هم على
الهدى والبرهان
والذين هم على
الهدى والبرهان
والذين هم على
الهدى والبرهان

۱۲۱۸۲۵ - ۲۰۸۷۵



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

عنوان:

ایفای دین توسط ثالث

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم عبدی پور

استاد مشاور:

حجة الاسلام محمد باقر پارساپور

نگارش:

سید محمد رباط سرپوشی

سال تحصیلی ۸۸-۸۷

۱۳۸۸/۲/۱۶

تسليم مدارك
اطلاعات مدارك سمعی بزرگ

۱۲۱۵۲۵



بررسی

تاریخ: ۳، ۲، ۸۸
شماره: ۳، ۲، ۸۸
پیوست:

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سید محمد رباط سرپوشی رشته: حقوق خصوصی تحت

عنوان پایان نامه: بررسی ایفاء دین توسط ثالث

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۳۰ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۶/۷ با حروف **بسیار خوب** در این جلسه، عالی، بسیار خوب، خوب، قابل قبول، دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای ابراهیم عبدی پور	استاد راهنما	استاد یار	
آقای محمد باقر پارساپور	استاد مشاور	استاد یار	
آقای حسین سیمایی	استاد ناظر	مربی	
آقای اسماعیل نعمت الهی	استاد ناظر	استاد یار	
آقای مصطفی فضائلی	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استاد یار	

نشانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

۲۸۵۵۶۸۴ معاونت آموزشی

۲۸۵۵۶۸۶ معاونت اداری

۲۸۵۵۶۸۸ معاونت دانشجویی

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی

نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

نام و امضاء:

تقدیر و تشکر:

بر خود لازم می دانم از استاد راهنمای گران قدر خود جناب آقای دکتر عبدی پور و تمامی عزیزانی که در انجام و تکمیل این پایان نامه اینجانب را یاری نمودند، بر اساس سنت حسنه " من لم یشکر المخلوق ، لم یشکر الخالق " سپاسگزاری نموده و توفیق روزافزون و عمر پربرکت برای ایشان از درگاه ایزد متعال مسئلت نمایم.

تقدیم به :

پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (عج)

و ارواح طیبه شهداء و امام شهداء

و به پدر و مادر گرامی ام.

و به همسر مهربان و فداکارم که همواره یار و مشوق من

در این راه بوده است؛ و به فرزند عزیزم، سید مهدی.

چکیده

ایفای دیون از جانب اشخاص ثالث، پدیده ای است که در عالم حقوق و روابط مالی اشخاص با یکدیگر، به وفور اتفاق می افتد. ثالث گاهی در انجام تعهد، هیچ مسئولیت قانونی و شرعی برای انجام تعهد از جانب متعهد ندارد و اما به انگیزه های دیگری مانند خیرخواهی و یا تامین نفع مشترکی که با مدیون دارد، او را به انجام این عمل متمایل می سازد و گاه نیز با اینکه ثالث مدیون اصلی و واقعی دینی نیست، اما به موجب قانون، ناگزیر از پرداخت دین به دائن است.

ایفای تعهد از جانب ثالث اصولاً عملی مجاز است مگر در مواردی که مباشرت متعهد در انجام تعهد شرط باشد. ضابطه تشخیص شرط بودن مباشرت مدیون در انجام تعهد نیز تصریح در قرارداد یا داوری عرف یا مصالح اجتماعی مترتب بر اجرای شخصی تعهدات است.

به نظر می رسد حق رجوع ثالث به مدیون دیگر تابع قاعده سنتی مذکور در ماده ۲۶۷ قانون مدنی نبوده و صرفاً مشروط به ماذون بودن ثالث از جانب مدیون نیست و از قاعده جدیدی پیروی می کند که بر اساس آن اگر قانون خاصی اجازه پرداخت آن دین توسط ثالث و سپس رجوع به مدیون را صادر نکرده باشد و ثالث ماذون از طرف مدیون نباشد و پرداخت دین توسط ثالث از موارد ایفای ناروا و دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت نباشد، آنگاه ثالث در صورتی حق رجوع به مدیون را خواهد داشت که در تادیه دین ماذون از طرف او باشد و هرگاه ثالث بر اساس یکی از موارد سه گانه فوق اقدام به ایفای تعهد نموده باشد، حق رجوع به مدیون را حتی بدون ماذون بودن نیز داراست.

فصل اول: کلیات (مفهوم و ماهیت ایفاء)

گفتار اول: مفاهیم	۸
الف) مفهوم ثالث	۸
ب) دین و تعهد	۱۰
ج) تعریف ایفاء دین توسط ثالث	۱۴
۱) مفهوم ایفاء دین	۱۴
۲) دخالت ثالث در ایفاء دین	۱۷
گفتار دوم: ماهیت حقوقی ایفاء دین	۲۰
الف) نظریه عمل حقوقی	۲۰
ب) نظریه عمل مادی	۲۶
ج) نظریات قائل به تفصیل	۲۹
د) نظریه ایفاء به عنوان سبب سقوط تعهد و ایفاء به عنوان وسیله اجرای تعهد	۳۱

فصل دوم: جواز یا منع ایفاء دین توسط ثالث و شرایط آن.

گفتار اول: جواز یا منع ایفاء دین توسط ثالث	۳۵
الف) ایفاء دیونی که مباشرت مدیون در آن شرط است	۳۵
ب) ایفاء دیونی که مباشرت مدیون در آن شرط نیست	۳۹
گفتار دوم: شرایط ایفاء دین توسط ثالث	۴۱
الف) رضایت داین و رضایت مدیون	۴۱
۱) وجود رضایت مدیون و نیز وجود رضایت داین	۴۱
۲) وجود رضایت مدیون و عدم وجود رضایت داین	۴۸
۳) عدم رضایت مدیون و وجود رضایت داین	۴۹
۴) عدم رضایت مدیون و عدم رضایت داین	۵۱
ب) مالکیت ثالث بر مالی که تادیه	۵۳
ج) اهلیت ایفاء کننده ثالث	۵۶

فصل سوم: آثار ایفاء دین توسط ثالث

- گفتار اول: سقوط دین و برائت ذمه مدیون در برابر داین ۶۰
- الف) شرایط شخصی که مورد تعهد باید به او تادیه شود ۶۱
- ب) شرایط چیزی که تادیه می شود: ۶۷
- ۱) شرایط کلی ۶۷
- ۱/۱) یکی بودن موضوع تعهد و موضوع تادیه ۶۷
- ۲/۱) آزاد بودن موضوع تادیه ۶۹
- ۳/۱) تمام موضوع تعهد بودن موضوع تادیه ۶۹
- ۲) شرایط اختصاصی ۷۱
- ۱/۱) شرایط اختصاصی عین معین ۷۱
- ۲/۱) شرایط اختصاصی مورد تعهد کلی ۷۲
- ج) زمان، مکان و هزینه تادیه ۷۳
- ۱) زمان تادیه ۷۳
- ۲) مکان تادیه ۷۶
- ۳) هزینه تادیه ۷۸
- گفتار دوم: حق رجوع ثالث به مدیون ۸۰
- الف: قاعده امکان رجوع ثالث در فرض پرداخت با اذن مدیون ۸۰
- ب: استثنائات قاعده ۸۴
۱. اداره مال غیر (ماده ۳۰۶ قانون مدنی) ۸۴
۲. ایفاء دین مستند به سند تجاری موضوع. ماده ۲۷۱ قانون تجارت ۸۸
۳. ایفاء دین دارای وثیقه توسط بستانکار فاقد وثیقه موضوع ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت ۹۱
۴. ایفاء دین دارای وثیقه توسط محکوم له موضوع. ماده ۵۵ قانون اجرای احکام مصوب ۱۳۵۶ ۹۴
۵. پرداخت در مسئولیت تضامنی ۹۶
- ۱/۵) ایفاء دین غاصبی که مال در ید او تلف شده توسط سایر غاصبین ۹۶
- ۲/۵) مسئولیت تضامنی شرکای شرکت تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت ۱۰۰
- ۳/۵) مسئولیت تضامنی صادرکننده و ضامنین و ظهرنویسان سند تجاری ۱۰۱
- نتیجه گیری ۱۰۳
- فهرست منابع و مآخذ ۱۰۶

مقدمه :

الف) بیان مساله

حقوق، جهان تکالیف و تعهدات اشخاص نسبت به یکدیگر است و اساساً علم حقوق به هیچ موضوعی نمی پردازد مگر آنکه در پرداختن به آن موضوع، تعیین تکالیف و تعهدات اشخاص در مقابل یکدیگر را مدنظر داشته باشد و طریقی را برای انجام آن تعهدات و ادای آن تکالیف مقرر نماید. بنابراین تعیین و تعریف حقوق و تعهدات و سپس ارائه راهکارهای انجام آنها، مهم ترین موضوع علم حقوق است.

هر تعهدی صرف نظر از منشا پیدایش آن که ممکن است عمل یا واقعه ای حقوقی باشد، دارای متعهدی است که قانون وی را مسئول انجام مفاد تعهد دانسته و اجرای آن را از وی مطالبه می نماید. همچنین هر نظام حقوقی راهکارهایی را هم برای پایان مسئولیت حقوقی متعهد و بری دانستن ذمه او پیش بینی کرده که به آن " اسباب سقوط تعهدات " گفته می شود.

مهم ترین و رایج ترین سبب سقوط تعهدات نیز ایفای دین یا به تعبیر قانون مدنی " وفای به عهد " است.

ایفای تعهد ممکن است به اشکال و طرق مختلفی انجام پذیرد اما در هر حال ایفاکننده یکی از دو شخص زیر است: یا خود متعهد یا ثالثی به غیر از طرفین تعهد. ایفای دین توسط خود متعهد موافق با اصل و حالت عادی ایفای تعهدات است، اما بسیار اتفاق می افتد که شخص ثالثی مبادرت به انجام تعهد و ایفای دینی می کند که بر عهده دیگری قرار گرفته در جالی که متعهدله حق هیچ مراجعه ای به ایفاکننده را ندارد و یا آنکه علی رغم وجود حق رجوع دائن به شخص ثالث به حکم قانون (مانند وجود مسئولیت تضامنی بین غاصبین متعدد)، شخصی که از عهده پرداخت برآمده مدیون اصلی نبوده و در واقع به حکم قانون مجبور به پرداخت دینی که اصالتاً بر عهده دیگری قرار داشته برای مثال غاصبی که مال در ید او تلف شده است گردیده است.

بنابراین پرداخت دین از جانب اشخاصی که مدیون اصلی آن دین نبوده اند، چه به حکم قانون و چه به انگیزه هایی مانند خیرخواهی و یا تلاش برای قائم مقام دائن شدن (مانند ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت) امری شایع است که لزوم تبیین دقیق احکام این موارد را نشان می دهد. در واقع ابهاماتی در رابطه با احکام حقوقی مترتب بر پرداخت دین توسط ثالث وجود دارد که این پژوهش به دنبال رفع این ابهامات با بررسی دقیق مبانی حقوقی و فقهی موضوع است.

ب) سوالات تحقیق

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که وضعیت حقوقی فردی که مبادرت به انجام تعهد و ایفای دینی می کند که بر عهده دیگری قرار گرفته، چگونه است و آیا اساساً چنین ایفایی می تواند برائت ذمه متعهد و سقوط تعهد او را در برابر متعهدله موجب شود؟

آیا برای رسیدن به چنین نتیجه ای رضایت متعهد و متعهدله لازم است و ایفای بدون رضایت هر دو یا یکی از آن ها منشا چه اثراتی می تواند باشد؟

آیا در نظام حقوقی ایران قاعده ای کلی برای پاسخ به چنین سوالاتی وجود دارد و اگر پاسخ آن مثبت است آیا استثنائاتی هم بر این قاعده کلی وارد شده است؟

اگر در برخی از حالات برای ثالث حق رجوع به مدیون را قائل شویم، آنگاه مدیون را به چه میزان در مقابل ثالث متعهد بدانیم، به میزان پرداخت ثالث به متعهدله اصلی یا به میزان تعهدی که مدیون به شخص مذکور داشته است؟

یافتن پاسخ پرسش های فوق موضوع این پژوهش است و تلاش می شود با دقت در منابع حقوق ایران و بویژه قوانین و نیز فقه شریف امامیه، پاسخ های مستدلی برای این پرسش ها ارائه شود.

ج) فرضیات تحقیق

چنین بنظر می رسد که در نظام حقوقی ایران ایفای دین توسط ثالث در مواردی که مباشرت مدیون در ایفای آن شرط نشده باشد، بدون رضایت طرفین تعهد نیز موجب برائت ذمه مدیون در برابر دائن می

شود. همچنین این فرضیه مطرح می باشد که در نظام حقوقی ایران، ثالث پرداخت کننده دین تنها در یک صورت از حق مراجعه به متعهد اصلی محروم می شود و آن در فرض اجتماع این سه شرط است: اول آنکه قانون خاصی اجازه پرداخت آن دین توسط ثالث؛ و سپس رجوع به مدیون را صادر نکرده باشد، دوم آنکه ثالث ماذون از طرف مدیون نباشد و سوم آنکه پرداخت دین توسط ثالث از موارد ایفای ناروا و دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت نباشد.

بنابراین فرضیه ما در این پژوهش آن است اولاً که قاعده اصلی در پرداخت دین توسط ثالث جواز این عمل است مگر آنکه مورد تعهد از موارد قائم به شخص متعهد باشد؛ ثانیاً قاعده تعیین حق رجوع ثالث به مدیون این است که ثالث پرداخت کننده دین تنها در صورتی حق رجوع به مدیون را دارد که در این عمل ماذون بوده باشد مگر در موارد استثنایی مقرر در قانون.

(د) روش تحقیق

نگارنده مایل است که در ضمن ریشه یابی مباحث بدون تقلید از نظرات اساتید به پاسخ پرسشهای پایان نامه پرداخته و در ضمن ارائه فرضیات به شناسایی مبانی لازم برای پی بردن به صحت سقم آنها پرداخته شود تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

به همین منظور ابتدا در فصل نخست به مفهوم ایفا توسط ثالث و تعاریفی از دین و تعهد و ثالث و نیز انواع مختلف آن پرداخته و پس از بررسی چگونگی دخالت ثالث در ایفاء دین به ماهیت حقوقی آن و بیان نظریه های مختلف در این باره اشاره نموده ایم. در واقع هدف از طراحی این بخش آن است که مفهوم و ماهیت عملی که توسط شخص ثالث باید انجام شود تا به آن ایفا توسط ثالث گفته شود، روشن گردد و نظریاتی که در مورد ماهیت ایفای دین مطرح شده است، مورد بررسی قرار گیرد.

در فصل دوم پژوهش، پاسخ این سوال را خواهیم داد که آیا اصولاً ایفای دین توسط ثالث پذیرفته شده است و آیا می توان پذیرفت که شخصی غیر از متعهد به تعهد عمل نماید؟ و اگر در حالاتی می توان چنین عملی را دارای اعتبار حقوقی دانست، چه شرایطی برای انجام این عمل لازم است؟

به منظور روشن شدن پاسخ این سوالات در این فصل، در قالب دو گفتار به تعیین جواز یا منع ایفای دین توسط ثالث و شرایط لازم جهت صحت انجام این عمل، در حالاتی که انجام تعهد توسط ثالث پذیرفته شده است، می پردازیم.

در سومین و آخرین فصل پژوهش نیز به آثار ایفای دین توسط ثالث می پردازیم و قواعد حاکم بر این موضوع و نیز استثنائات وارد بر این قواعد را بررسی می نماییم. در واقع در این بخش از پایان نامه است که صحت یا سقم فرضیه ما ثابت می شود و نتیجه گیری نهایی به منظور تعیین قاعده ای کلی که حاکم بر تمامی حالات ایفای تعهدات توسط اشخاص ثالث باشد، به عمل می آید.

در تمامی این بخش ها، تلاش می شود در حد بضاعت علمی نگارنده، از نظرات فقهای امامیه نیز غفلت نشود و هر کجا که نگارنده سرنخی از طرح مبحثی در فقه بیابد، خود را متعهد به پرداختن به آن میدانند. به نظر نگارنده حجم مطالب مطرح شده توسط حقوقدانان معاصر در رابطه با موضوع پژوهش کفاف نگارش یک پایان نامه را نمی دهد و از طرف دیگر تمام اقوال فقهاء در رابطه با این موضوع یا مبانی آن نیز در کتب اساتید حقوق مورد اشاره قرار نگرفته و بر همین اساس نگارنده تلاش دارد نسبت به استفاده از منابع فقهی نیز اهتمام ویژه ای داشته باشد.

البته مهم ترین مشکلی که در این رابطه وجود دارد، پراکنده بودن نظریات و اقوال فقهاء در رابطه با مطالب مورد بحث در پژوهش است که امکان لحاظ نشدن برخی اقوال و نظرات فقهی را افزایش می دهد اما نگارنده تلاش نموده با استفاده از راهنمایی های اساتید محترم، تا حد امکان بر این مشکل غلبه نموده و اقوال فقهاء را در پژوهش خود به نحو قابل قبولی منعکس نماید.

همچنین در هر موردی که نگارنده با راهنمایی اساتید مجترم راهنما و مشاور، امکان و سودمندی مطالعه تطبیقی را ملاحظه نموده، با توجه به آشنایی با زبان حقوقی عربی، به مطالعه در حقوق مصر نیز توجه داشته است.

ج) پیشینه تحقیق

استفاده از روش فوق به معنای کنار گذاشتن نظرات اساتید محترم نیست بلکه علاوه بر آنکه نتایج این پژوهش با بهره نگارنده ملهم از نظریات آنان بوده است ، در پایان پژوهش نیز نظرات اساتید حقوق ایران نیز با نتایج بدست آمده از پژوهش تطبیق داده شده و در معرض قضاوت خوانندگان قرار می گیرد. از جمله آثاری که در آنها به این موضوع پرداخته شده می توان به کتاب های قواعد عمومی قراردادهای آقایان دکتر ناصر کاتوزیان و سید حسین صفایی اشاره کرد که ذیل عنوان ایفای تعهد به این مبحث پرداخته اند. به علاوه دکتر مهدی شهیدی در کتاب سقوط تعهدات دکتر محمد بروجرودی عبده در کتاب حقوق مدنی و دکتر حسن امامی نیز در دوره حقوق مدنی خود به این بحث اشاراتی داشته اند. ریشه های فقهی بحث را نیز باید در کتاب هایی چون مکاسب شیخ انصاری ، لمعتین شهیدین اول و ثانی، جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی ، عروه الوثقی^۱ تالیف سید محمد کاظم یزدی، عناوین مرحوم مراغی و مبسوط شیخ طوسی جستجو کرد. البته همانطور که پیشتر بیان شد، نظرات فقهاء در رابطه با موضوع پژوهش حاضر و مبانی آن، در ابواب مختلف پراکنده است اما بیشتر در کتاب الدین و نیز کتاب الضمان می توان بحث های مرتبط با موضوع تحقیق را ملاحظه نمود.

فصل اول: کلیات

(مفهوم و ماهیت ایفاء)

در این فصل از پژوهش مفاهیم اصلی موضوع پژوهش و مبانی نظری این مفاهیم بررسی خواهد شد. این مفاهیم در واقع همان کلیدواژه های تحقیق هستند که عبارتند از ثالث، دین یا تعهد، ایفاء و در نهایت ترکیب این واژه ها یعنی ایفاء دین توسط ثالث.

به علاوه، نظریاتی که در مورد ماهیت ایفاء تعهدات ابراز شده است نیز نقشی کلیدی در راهنمایی ما در بررسی جواز یا عدم جواز دخالت ثالث در انجام تعهدات و احراز شرایط آن خواهد داشت. بنابر این پس از آنکه مفهوم این واژه ها توضیح داده شد، باید ماهیت حقوقی ایفاء نیز بررسی شود تا معلوم گردد ایفاء در واقع چه ماهیتی دارد، تعیین ماهیت حقوقی ایفاء یا همان انجام تعهد، این فایده را برای پژوه ما دارد که علاوه بر روشن شدن بخشی از مبانی نظری موضوع تحقیق، در تعیین جواز یا منع ایفاء دین و انجام تعهدات توسط ثالث نیز نقشی ریشه ای بر عهده دارد و دانستن ماهیت حقوقی ایفاء، مقدمه ای برای تعیین شرایط ایفاء دین توسط ثالث نیز محسوب می شود.

گفتار اول: مفاهیم

در این گفتار تلاش می شود ابتدا معانی کلید واژه های پژوهش که همان ایفاء توسط ثالث است ، توضیح داده شود تا مورد بحث کاملاً روشن شود. به بیان دیگر هدف از طرح این گفتار آن است که محل بحث و پژوهش کاملاً روشن شود و مشخص گردد که پژوهش حاضر، اساساً چه موضوعی را پیگیری می کند.

به همین منظور ابتدا مفهوم ثالث و سپس معنای دین و تعهد را بررسی می کنیم و در نهایت منظور از ایفاء دین توسط ثالث را مورد مطالعه قرار می دهیم.

الف: مفهوم ثالث

هرگاه در عالم حقوق تعهدی ایجاد شود، صرف نظر از منشاء ایجاد این تعهد که می تواند عملی حقوقی یا واقعه ای حقوقی باشد ، دو طرف برای این تعهد قابل فرض است؛ متعهد و متعهدله و کلیه اشخاصی که عناوین فوق بر آنها صدق نماید ، خارج از این رابطه حقوقی قرار می گیرند. اصولاً در اصطلاح حقوقی ثالث به شخصی گفته می شود؛ که خارج از طرفین رابطه اصلی حقوقی باشد و در واقع در آن رابطه حقوقی، هیچ حق یا تکلیفی برای او وجود نداشته باشد. بنابراین انجام عملی توسط ثالث، در بیشتر موارد ، به معنای انجام آن توسط شخصی است که هیچ تکلیفی برای انجام آن ندارد.

اما در پاره ای از موارد نیز متعهدله در یک رابطه حقوقی، به موجب قانون ، حق مراجعه به شخصی را می یابد که متعهدله اصلی و واقعی آن تعهد نیست بلکه بنا به رعایت مصالحی که مد نظر قانونگذار بوده است ، با مدیون واقعی و اصلی ، در برابر دائن ، مسئولیت تضامنی پیدا نموده است. مانند تلف مال غصبی در ید یکی از غاصبین متعدد که به حکم قانون (ماده ۳۱۸ قانون مدنی)، هرچند ضمان اصلی بر

عهده غاصبی استوار می شود که مال در ید او تلف شده است ، اما شارع به مالک اجازه داده است تا به منظور جبران خسارت های خود به هر کدام از غاصبین یا همه آنها مراجعه نماید. در این موارد نیز هر چند شخصی که به موجب مسئولیت تضامنی از عهده پرداخت دین برآمده ، با دائن رابطه ای حقوقی داشته است ، اما چون بدهکار واقعی آن دین نبوده ، لذا نسبت به رابطه ای که بین دائن و مدیون واقعی وجود دارد ، ثالث فرض می شود.

با توجه به مطالب فوق می توان ثالث را فردی دانست که در یکی از دو گروه زیر قرار گیرد:

۱) فرد به طور کلی بیگانه از تعهد باشد و هیچ رابطه ای بین او و تعهد وجود نداشته باشد.

چنین فردی ممکن است از نزدیکان یا حتی شریک تجاری یکی از طرفین تعهد یا هر دوی آن ها باشد اما ملاک ثالث به حساب آمدن وی این است که از نظر قانونی امکان هیچ گونه مراجعه ای به او به سبب این تعهد وجود نداشته باشد.

۲) فرد بیگانه از تعهد نبوده و به سببی از اسباب قانونی ، در تعهد دخالت داشته باشد.

در این حالت فرد از لحاظ قانونی در تعهد دخیل است اما ملاک ثالث محسوب شدن وی آن است که او مدیون اصلی تعهد نباشد و اجرای تعهد در واقع به عهده فرد دیگری باشد اما به سببی از اسباب قانونی، وی نیز از جمله مسئولین انجام تعهد شمرده شده باشد.

بنابراین در این پژوهش ، هنگامی که از ثالث سخن به میان می آوریم ، هر دو مفهوم فوق را مد نظر داریم. لذا ثالث در پژوهش حاضر شخصی است که در رابطه اصلی بین دائن و مدیون نقشی نداشته و بدهکار واقعی محسوب نمی شود ، اعم از اینکه دائن به موجب قانون حق رجوع به وی را داشته یا نداشته باشد.

ب) دین و تعهد

پیش از آنکه به مفهوم ایفاء دین بپردازیم لازم است منظور از خود واژه دین را در نظام حقوقی ایران مطرح نماییم تا مشخص گردد اولاً این واژه به چه معنی یا معانی به کار می رود و ثانیاً کدام یک از این معانی در پژوهش ما مد نظر است.

واژه دین در لغت به معنای بدهکاری است که می تواند از نوع مادی یا معنوی و دنیوی یا اخروی باشد.^۱ معنای اصطلاحی آن در حقوق نیز از همین مفهوم دور نیست. به نظر برخی از اساتید^۲، دین در اصطلاح حقوقی، اعم از تعهد به معنای پیمان و قرارداد و ضمان ناشی از مسئولیت مدنی یا غصب یا استیفاء نامشروع است. البته تعریف اصطلاحی دین توسط برخی از اساتید را می توان اینگونه تلقی کرد که دین می تواند ناشی از تعهد به معنای پیمان و ضمان ناشی از مسئولیت مدنی یا غصب یا استیفاء نامشروع باشد زیرا دین محصول پیمان و قرارداد است نه خود آن.

بعضی فقهاء نیز واژه دین را در دو معنای عام و خاص به کار برده اند. در فقه، واژه دین در معنای عام آن به معنای تعهد به کار رفته و مدیون همان متعهد است. شهید ثانی در شرح لمعه می فرماید:

((..التعیب جاء من قبله فیکون در که علیه و لا دین علی البایع کما لو حصل مجموع التلف من قبله...))^۳

بنابراین ملاحظه می شود که واژه دین در این متن فقهی به معنای تعهد به کار رفته و منظور شهید ثانی از عبارت ((لا دین علی البایع)) آن است که هیچ تعهدی متوجه بایع نسیت و بر همین اساس می توان نتیجه گرفت که واژه دین در اصطلاح فقاء نیز به معنای تعهد به کار رفته است.

اما فقهاء این واژه را در معنای خاص آن به معنای قرض تلقی کرده اند و در متون فقهی، کتاب الدین در واقع مختص به بیان احکام قرض است. در همین رابطه شهید اول در لمعه می فرماید:

۱. علامه دهخدا، لغت نامه، مجلد اول، انتشارات دهخدا، مدخل دین، ص ۴۹۶

۲. دکتر ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، ۱۳۷۶ جلد چهارم، ص ۵

۳. شهید ثانی، الروضه ابهیه فی شرح المعه دمشقیه، شر ارغوان دانش، ۱۳۸۴، ص ۳۹

((کتاب الدین ... و هو قسمان الاول : القرض ... و القسم الثانی: دین العبد...))^۱

بنابراین ملاحظه می شود که فقهاء دین را در معنای اخص آن به معنای قرض می دانند یعنی تعهدی که از عقد قرض ناشی شده باشد و ذیل عنوان کتاب الدین ، به بررسی احکام عقد قرض پرداخته اند. در واقع استعمال دین در معنای قرض در متون فقهی، استعمال لفظ در یکی از معانی آن است و به معنای آن نیست که فقهاء از اطلاق واژه دین به کلیه تعهدات خودداری می کرده اند. به نظر می رسد در نظام حقوقی ایران ، واژه دین در دو معنای عام و خاص به کار رفته است. دین به معنای عام کلمه، مترادف با التزام و تعهد در معنای اسم مفعولی این دو واژه ، به کار رفته و به معنای وظیفه حقوقی است که قانوناً بر عهده شخص مدیون ثابت می شود که در صورت خودداری از انجام آن به تقاضای دائن و به وسیله مرجع قضایی ، ملزم به انجام آن خواهد شد.^۲ این وظیفه می تواند ناشی از اعمال یا وقایع حقوقی باشد . در این حالت ایفای دین مترادف با انجام تعهد خواهد بود. دین در معنای خاص آن به معنای بدهی نقدی شخصی به دیگری و در واقع تعهد شخص به پرداخت مبلغی پول نقد به دائن به کار می رود و در این حالت ایفای دین به معنای پرداخت پول است و از همین رو به جای عبارت پرداخت وجه نقد از عبارت پرداخت دین هم استفاده می شود. در تحقیق حاضر ، دین به معنای عام آن مد نظر قرار گرفته و اصطلاحات ایفای دین ، ایفای تعهد و انجام تعهد ، همگی در یک معنی به کار می روند. در مورد معنای تعهد نیز باید به این نکته اشاره نمود که تعهد مصدر باب تفاعل از ریشه عهد است که در لغت به معنای به عهده گرفتن و خود را مدیون و موظف نمودن است. این واژه در اصطلاح حقوقی در دو معنای اسم مصدری و اسم مفعولی به کار رفته است.

۱. شهید اول ، اللعه دمشقیه ، نشر ارغوان دانش ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۵۳

۲. مهدی شهیدی ، تشکیل قراردادهای و تعهدات ، مجمع علمی و فرهنگی مجد ، چاپ پنجم ، اسفند ۱۳۸۵ ، ص ۴۲

تعهد در معنای اسم مصدری خود به قبول کردن انجام یا ترک عملی در برابر دیگری، چه به صورت معوض و چه به صورت غیر معوض، اطلاق می شود.

این واژه در معنای اسم مفعولی به معنای وظیفه حقوقی که قانوناً بر عهده شخص متعهد، قرار گرفته است، می باشد که در صورت سرباز زدن وی از انجام آن به تقاضای متعهدله، مرجع قضایی وی را الزام به انجام آن خواهد کرد.^۱

در حقوق خارجی نیز تعهد را چنین تعریف کرده اند:

«تعهد تکلیف شخص است به دادن، انجام دادن یا انجام ندادن چیزی به سود شخص دیگری که دائن بشمار می آید.»^۲

نتیجه این تعریف را که تقسیم تعهد به سه نوع است را می توان در حقوق ایران نیز پذیرفت و چنین اظهار نظر کرد که تعهد بر سه نوع است:

تعهد به دادن که به موجب آن مدیون متعهد می شود که چیزی را به دیگری تسلیم کند یا به نفع او حقی عینی به وجود آورد.

تعهد به انجام عمل که در آن شخص متعهد، انجام عملی را برای متعهدله بر گردن می گیرد.

و بالاخره تعهد به خودداری از انجام عمل که به موجب آن شخصی متعهد می شود که به نفع متعهدله از انجام عمل خاصی اجتناب نماید.^۳

منشاء ایجاد یک تعهد نیز می تواند عمل حقوقی یا واقعه حقوقی باشد. به بیان دیگر ممکن است شخص به واسطه اعلام اراده خود، خواستار مترتب شدن اثر یا آثاری بر عمل خود شده باشد و یا در اثر واقعه ای که یا خودش یا آثارش متعلق اراده شخص نبوده است، برای او تعهدی ایجاد شده باشد.

تعهدات دسته نخست به تعهدات قراردادی و تعهدات دسته دوم به الزام های خارج از قرارداد معروفند.

۱. مهدی شهیدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ پنجم، اسفند ۱۳۸۵، ص ۴۱ و ۴۲

۲. رنه داوید، نظام های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه سید حسین صفایی، محمد آشوری و دکتر عزت ا... عراقی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴، ص ۷۹، ش ۶۴

۳. حمید بهرامی احمدی، کلیات عقود و قراردادها، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳، ص ۲۳